

واحد صلحجو حکیم زاده

به راهیان راه فراگیر سیاسی تا همسویی و هم گرایی

جریان حوادث توفنده دگرگونی ورخداد های حاکم در درازای سه دهه اخیر در مسیر تقابل رویارویی با دشمنان مشترک اما با زمان متفاوت بعضاً باهم و در کنار هم با رویا رویی و هم پاشی، چند دسته گی، دلسردی، دلتنگی، سر در گمی، گمراهی و بزدلی برای حزب دموکراتیک خلق افغانستان و برای سیاستمداران (روی سکه دیگر آن) دولت و کشور عزیز مان قبل از قدرت و بعد از قدرت بار آورد.

هر یک ازین راهیان برحق تجارب تلخ و شیرین را از اولین کنگره مؤسس و بعد از آن قبل از وحدت سالهای پیش از کودتای ثور (سال ۱۳۵۷) و بعد از آن، روز های قدرت، دولت داری ها و حکومت ها یک جانبه تک حزبی تا فرمانداری های یکه تازانه کل قدرت به صورت انفرادی تا اعلام ترور و قتل های وحشیانه، خفه کردن رهبر تا قتل های دسته جمعی و به زندان افگندن اصیل ترین فرزندان حزب و گور های دسته جمعی، حضور تمام عیار قطعات نظامی شوروی سابق و خروج آن تا تغییرات اصل رهبری حزبی و دولتی و راه اندازی های کودتاهای سیاه و سفید بخاطر احیا قدرت و تکیه بر مسند رهبری قایم المقام و غرور خود خواهی تا قوماندانی های خود سرانه حزبی عده ای از اعضای آن تا عدم باور مندی به نیروی وفادار حزب و پشتیبانان متحد و صادق آن و دست اندازی و قول اندازی این ویا آن مرشدین به ظاهر باورمند حزب بخاطر جای پای در حرم قدرت آینده، همپاشی و فرار ، بربادی و به خاک خون کشیده شدن ملت بیچاره و بخصوص شهریان کابل هریک مان شاهد فجایع زنده حوادث بس رقتباری بودیم.

این تراژیدی سالهای بی تجربه گی مان در قدرت و با قدرت و در عدم قدرت در مبارزه درون حزبی و بیرون حزبی، درون مرزی و بیرون مرزی، مبارزه پارلمانی و بیرون پارلمانی به صورت مخفی و علنی نه تنها ما تجربه کرده ایم بلکه این حوادث در بسیاری از کشور های تیپ کشور ما در همسایگی مان بلکه حتی در کشور های اروپای شرقی، شرق میانه و آسیای دور اگر دور نرویم به مراتب بدتر از ما تجربه کرده اند چون حزب دموکراتیک خلق افغانستان یا حزب وطن مانند سایر احزاب متشکل از تمام طبقات و اقشار جامعه اعم از کارگران دهقانان اهل کسبه و روشنفکران بوده که انحطاط و عقب گرایی و بعضاً لغزش در قدرت شامل حال روشنفکران است که باید دگر کنار آمد و درس گرفت و از تجارب خود و به اصطلاح احزاب برادر، نه چنان آموخت که در تاریکی در جستجوی رهبران میراثی تکیه در تکیه و قباله کرده بودند که در زمان معین ح د خ ا میراث خور کبیر آن بود. بدون ابتکار عمل داهیانہ عاملانہ و عالمانہ مطابق مقتضیات جامعه تیپ افغانی و کثیر المللی محاصره شده در گیرودار عقب ماندگی اقتصادی سیاسی و اجتماعی یک جانبه و یک طرفه در حرکت بود.

در چنین اوضاع پیچیده برای کشور و به صورت خاص برای نهضت روشنفکران که خود را متعهد به امر مردم و وطن میدانند امر بالاتر از تأمین حد اقل وحدت و یا اتحاد و ائتلاف وجود ندارد. این امر سترگ و مسئولیت تاریخی بدوش تمام نهضت های چپ دموکراتیک مترقی تحول پسند بخصوص اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان و متحدین سیاسی آن و هواداران و سازمانهای اجتماعی آن است. با توجه به هر یک متأسفانه امروز با نام و نشان دیگری عرض وجود کرده است که هنوز از هم بیگانه نیستند و این ابر سیاه و تاریک که بر آسمان نیلگون حزب دموکراتیک خلق افغانستان سایه افکنده است نه با شعار های گرم و ظریفانه، نه با جملات پرتمطراق و نه با تئوری های کلیشه ای بلکه با عمل خردمندانه، مدبرانه که مصداق آمادگی واقعی باشد صورت گیرد.

شایسته آن خواهد بود که هر گونه افترا و اتهام، تحقیر و توهین تذکرات و بدگمانی های سلیقه ای و عاطفی را که جز تشدد و پراگندگی شقاق و نفاق بی اعتمادی و تقابل چند پارچگی و سر در گمی و تعلل و بالا تر از همه زمینه سو استفاده را برای دشمن و

ابن الوقت ها بار خواهد آورد جلوگیری نمود و از جانب دیگر تأمین و راه گشای حد اقل وحدت و یا . . . از انزوا و گوشه گیری اعضای سالم و پرتنش طرفداران امر وحدت که از سالیان متمادی باچشمان باز وضع موجود را به نظاره نشسته است جلوگیری مینماید.

تجارب سالهای وحدت دو جناح و بالاخره آن فریاد این «سکوت را باید شکست باید شکست» هنوز در گوشه‌های بسیاری طنین انداز است وظیفه آنست برین رکود غلبه کرد ، حس سوء تفاهم را رفع اشتباه گذشته را نباید تکرار کرد این بالادرنگ گسترش پیوند ها باور ها می شود ما نباید هر چیزیکه به گذشته تعلق دارد بپذیریم میخواهیم توضیح بدهیم که:

در گذشته هندوستان رسم بر آن بود که مردی از خانواده اگر در میگذشت او را میسوختاند همسرش به عنوان نشانه وفاداری خود را برخ آتش میکشید می سوختاند خود کشتی میکرد که در دوران استعمار هند بریتانوی از بین رفت این امر یک کار کاملاً بیجا بود نباید به عنوان یک پیشینه ای باستانی این رسم خود کشتی ادامه میافت که خود حکم خودکشتی مطلق را داشت ، تجارب سالیان متمادی مبارزه مان بخاطر اعتقاد راستین به امر مردم بدون تأمین وحدت بما میرساند که ناگزیر درین راه قربانی داد و گذشت را پیشه کرد و حرکت را درین راه مانند هر گام راستین استوار تر بر داشت و استقبال کرد.

شخصاً من بدون تعلقیّت به هیچ یک از این سازمانها مستقل و غیر مستقل اما یکی از طرفداران صادق تأمین وحدت گردهم آیی وصف آراییی همایش و فراخوان عمومی بسوی یک فراخوان سیاسی از تمام نهضت های چپ دموکراتیک و وابسته حزب دموکراتیک خلق افغانستان و متحدین سیاسی آنرا بتاريخ ۱۹ اپریل که از جمله اشتراک کننده گان آن بودم در حالیکه با کمبودی و نا رسایی های بود به استقبال می نشینم و پیام هیئت اجرائیه شورای مرکزی نهضت آینده را برای آینده روشن یک پارچگی پیام نیک و پاسخگوی مسئولیت میدانم که در سر راه هر یک از نهضت های واقعی جنبش چپ قرار دارد و این مسئولیتی نه یک سازمان نه یک گروه نه یک فرد

و نه در يك ساعت يك روز يك هفته و يكماه است كاريست دوامدار پر طنش و در خور ستايش و در مقطع زمان موجود بالا درنگ امريست ضروري و بالاقيده شرط.

28092008

www.ayenda.org